



مقام حضرت خدیجه در پیشگاه خدا و رسول اکرم ﷺ

علی امامی

دو امر بزرگ و سخت بر پیامبر وارد شد به گونه‌ای که فریاد و ناله شدید حضرت بلند شد. آن دو امر یکی رحلت جانسوز ابوطالب بود که در ۲۶ رجب سال دهم بعثت و یا هفتم رمضان، همان سال واقع شد، و دیگری وفات یسار فداکار آن حضرت، خدیجه کبری بود که در دهم رمضان همان سال اتفاق افتاد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدیجه را با دستان خویش در محلی به نام «حجون» (قبرستان ابوطالب فعلی)

امشب دل تنگ مرا اشکم روایت می‌کند
امشب خدیجه با تو ای اسماء وصیت می‌کند
اسماء بهار عمر من امشب به پایان می‌رسد
زهر سرش بر سینه‌ام من بر لبم جان می‌رسد
اسماء بپر از من پیام بر خاتم پیغمبران
بر گو کنار تریتم امشب بیا قرآن بخوان
در سال دهم بعثت دو حادثه دردناک
و جانسوز بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه
و آله وارد گشت، چنان که در تاریخ
آمده است: «وَرَدَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ أَمْرَانِ
شَدِيدَانِ عَظِيمَانِ وَجَزَعٌ جَزَعًا شَدِيدًا؛

دفن نمود. او به قدری از این دو حادثه غمناک بود که از خانه کمتر بیرون می‌آمد و در واقع خانه نشین شده بود و به همین جهت آن سال را، «عامُ الحُزن» و سال غصه و غم نامگذاری نمود.^۱ و علی علیه السلام در رثای آن دو بزرگوار چنین فرمود: «ای چشمان من! آفرین بر شما! بر آن دو رفته‌ای که دیگر مانندشان را نمی‌بینند؛ بر بزرگ بطحاء و بر بانوی بانوان؛ آن نخستین کسی [از زنان] که نماز گذارد، بر آن زن پیراسته و خجسته- ای که خداوند او را پاک داشت و برتری‌اش داد، اشک بریزید. مرگ این دو، روز را بر من تاریک ساخته و از این پس، شبها را در اندوه و سوگ آن دو سر می‌کنم. آن دو در برابر ستمکاران به دین، آیین محمد را یاری کردند و پاس پیمان خویش داشتند.»^۲

آنچه در پیش رو دارید نگاهی است گذرا، به مقامات خدیجه کبری، بانوی فداکار و صبور اسلام، در پیشگاه الهی و نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.^۳

ضرورت بیان فضائل زنان

شایسته

قرآن بر خلاف تصور برخی افراد که فقط مردان را الگوی افراد جامعه می‌دانند، آنجا که می‌خواهد الگوها و اسوه‌ها را معرفی کند، در کنار اسوه بودن حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، الگوها و نمونه‌هایی از زنان وارسته و همچنین زنان گمراه را نیز به جامعه و مؤمنان معرفی می‌نماید، از جمله می‌فرماید:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوْحٍ وامْرَأةَ لُوْطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ

۱. ر.ک: منتهی الامال، شیخ عباس قمی،

کتابفروشی اسلامیة، چاپ افسر، ج ۱، ص ۳۶.

۲. دیوان امام علی، قطب الدین حسن بیهقی نیشابوری، ص ۳۶۰.

۳. قابل ذکر است که در شماره ۵۹ مجله مبلغان بخش اول مقاله، تحت عنوان «فضائل خدیجه کبری سلام الله علیها» بیان، و اکنون در بخش دوم، مقامات آن حضرت بیان می‌شود.

رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجَنِّسْ
 مِنِّي فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَتَجَنِّسْ مِنَ الْقَوْمِ
 الظَّالِمِينَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ
 فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَقْتُ
 بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِن الْقَاتِلِينَ ۱؛
 خداوند برای کسانی که کافر شدند، به
 همسر نوح و همسر لوط مثل زده است،
 که آن دو تحت سرپرستی دو بنده از
 بندگان صالح ما بودند؛ ولی به آن دو
 خیانت کردند و ارتباط با ایسن دو
 [پیامبر] در برابر خداوند سودی به
 حالشان نداشت و به آنها گفته شد:
 «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد
 می شوند». و خداوند برای مؤمنان به
 همسر فرعون مثل زده است، در آن
 هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای
 من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از
 فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه
 ستمگران رهایی بخش!» و همچنین به
 مریم دختر عمران که دامان خود را پاک
 نگه داشت و ما از روح خود در آن
 دمیدیم و او کلمات پروردگار و

کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان
 فرمان خدا بود.»

آیات فوق نشان می‌دهد که زنان
 بزرگ نه تنها الگو و اسوه برای زنان می-
 باشند، بلکه مثال و نمونه برای کل جامعه
 می‌باشند. در همین راستا بیان فضائل و
 مقامات خدیجه سلام الله علیها می‌تواند
 برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و
 الگوی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار
 گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر اکرم صلی
 الله علیه و آله خدیجه از کاملترین زنان
 و بهترین الگوهای است که فضائل و
 مقامات او به حد کمال رسیده است. این
 معنی را رسول اعظم با بیانات مختلفی
 مطرح نموده است. در یک جا فرمود:
 «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ، آسِيَّةُ، خَدِيجَةُ
 وَقَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ؛ برترین زنان
 عالم، مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها
 السلام هستند.»^۲

در جای دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ
 مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَآسِيَّةَ وَخَدِيجَةَ

۲. خصال صدوق، باب خصال اربعه، ج ۱، ص

وفاطمة^۱؛ براستی خداوند از زنان عالم چهار زن برگزید: مریم، آسیه، خدیجه، و فاطمه علیها السلام.^۲

ریشه مقامات و فضائل خدیجه

قطعاً فضائل و مقامات حضرت خدیجه بدون اسباب و علت نمی‌تواند باشد. عقل و عنایات و الطاف الهی، ریشه فضائل و مقامات اوست.

در کلمات برخی مورخان به این جملات برمی‌خوریم: «كَانَتْ خَدِيجَةً إِمْرَأَةً عَاقِلَةً شَرِيفَةً مَعَ مَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَا مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْخَيْرِ وَهِيَ يَوْمَئِذٍ أَفْضَلُهُمْ نَسَبًا وَأَعْظَمُهُمْ شَرَفًا وَأَكْثَرُهُمْ مَالًا؛ خدیجه با آنچه خداوند از بزرگی و خیر که نسبت به او اراده کرده بود، بانوی خردمند شریفی بود. او در آن دوران از برترین افراد در نسب و بزرگترین شخصیت در شرف و ثروتمندی بود.»^۳

ایمان خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی نقش

تعیین کننده‌ای در فضائل و مقامات خدیجه سلام الله علیها دارد.

جالب این است که راهب نصرانی این مسئله را قبل از رسالت پیامبر و ازدواج او با خدیجه به خوبی پیش بینی کرد که اگر خدیجه پیغمبر را رها نکند به مقامات و فضائل عظیمی دست خواهد یافت؛ آنجا که به میسره غلام خدیجه گفت: «يَا مَيْسِرَةَ إِقْرَأِ مَوْلَاتِكَ مِنِّي السَّلَامَ وَأَعْلِنِهَا أَنَّهُا قَدْ ظَفَرَتْ بِسَيِّدِ الْأَنَامِ، وَأَنَّهُ سَيَكُونُ لَهَا شَأْنٌ مِنَ الشَّأْنِ وَتَفْضُلٌ عَلَى سَائِرِ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ وَأَخْذَرُهَا أَنْ تَفُوتَهَا الْقُرْبَ مِنْ هَذَا السَّيِّدِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلَهَا مِنْ نَسْلِهِ وَيَبْقَى ذِكْرُهَا إِلَى آخِرِ الزَّمَانِ...»^۴ ای میسره به خانم و مولای خود سلام مرا برسان و به او اعلام کن که به آقای مردم [حضرت محمد] دست یافته است. وبه زودی برای او (خدیجه) شأن و جایگاهی خواهد بود و بر تمامی خاص و عام برتری می‌یابد و بترسان او را از اینکه نزدیک شدن به این آقا (محمد صلی الله علیه و آله) را از

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار

احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۲، ح ۴.

۲. تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. بحار الانوار، همان، ج ۱۶، ص ۴۴.

دست بدهد؛ زیرا خداوند بلند مرتبه بزودی نسل او را از نسل محمد قرار خواهد داد و نام [نیکش] تا آخر الزمان خواهد ماند.»

این پیش بینی نشان می‌دهد که در کتب آسمانی گذشته و یا در بیانات انبیاء، کاملاً مقام و منزلت خدیجه سلام الله علیها بیان شده بود، از این رو راهب نصرانی به خوبی و با دقت تمام آن را بیان و پیش بینی کرد. و جالب‌تر اینکه زنان قریش از جمله صفیّه دختر عبدالمطلب در شب ازدواج خدیجه و جشن عروسی او نیز به این امر اشاره کرد که: «يَا خَدِيجَةُ! لَقَدْ خَصَّصْتَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ بِشَيْءٍ مَا خَصَّ بِهِ غَيْرُكَ، وَلَا نَأْتُهُ سِوَاكَ مِنْ قِبَائِلِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا أُوْتِيَتْهُ وَوَصَلَ إِلَيْكَ مِنَ الْعِزِّ وَالشَّرَفِ! أَي خَدِيجَةُ! در این شب به چیزی اختصاص یافتی که هیچ کس غیر از تو بدان دست نیافته است، و جز تو از قبائل عرب و عجم به آن نرسیده است، پس گوارایت باد به آنچه به تو

داده شد و از عزّت و بزرگی به تو رسید.»

البته خدیجه هم به خوبی برای استقبال از این مقام و منزلت سرمایه گذاری نمود. در آغاز، تمام اموال و هستی خویش را تقدیم محمد صلی الله علیه و آله نمود. خدیجه به عمویش ورقه گفت: «این اموال را بگیر و نزد محمد ببر و به او بگو همه این اموال هدیه است برای او و ملک او می‌باشد، هر گونه خواست در آن تصرف نماید، و به او بگو که تمام اموال و برده‌های من، و تمامی کنیزها و آنچه در تحت تصرف من است به محمد صلی الله علیه و آله هبه کردم، بخاطر احترام و تجلیل از او. پس ورقه بین زمزم و مقام (ابراهیم) ایستاد و با صدای بلند اعلام کرد: ای گروه عرب! خدیجه شما را شاهد گرفته است بر اینکه خود و مالش، و بردگان و کنیزان و خادمان، و چهار پایان و مهریه و هدایای او همه برای محمد صلی الله علیه و آله است، و این هدیه بخاطر تجلیل و تعظیم از او و به جهت علاقه به اوست، شما نیز بر این امر شاهد

باشید. « و بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ایمان خویش، مقامات و فضائل خود را بیمه نمود.

الف. مقام خدیجه در پیشگاه

الهی

خداوند متعال بارها موقعیت و مقام خدیجه را از طرق گوناگون آشکار نموده، و از منزلت رفیع او در درگاه الهی پرده برداشته است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. سلام خاص الهی

بارها سلام سفارشی و مؤکد ربوبی توسط جبرئیل به محضر خدیجه رسیده است. ابو هریره نقل کرده است که: «أتی جَبْرَائِلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِهْنَاءٌ مُغَطَّى فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا، وَمَنِّي السَّلَامُ...»^۱ جبرئیل نزد پیامبر آمد و گفت: خدیجه همراه با ظرفی سر پوشیده که در آن خورشید یا غذا یا نوشیدنی است نزد تو می‌آید، پس هر گاه آمد،

سلام پروردگارش و سلام من را به محضر او برسان.»

در روایت دیگری می‌خوانیم: «إِنَّ جَبْرَائِلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ إِقْرَأْ خَدِيجَةَ مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرَائِلُ يُفْرِتُكَ مِنْ رَبِّكَ السَّلَامَ، قَالَتْ خَدِيجَةُ: اللهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِلَ السَّلَامُ»^۲؛ به حقیقت جبرئیل نزد پیامبر آمد پس گفت: به خدیجه از طرف پروردگارش سلام برسان، پس حضرت فرمود: ای خدیجه این جبرئیل است که از طرف پروردگارت سلام می‌رساند. خدیجه گفت: خدا سلام است و سلام [و سلامتی] از اوست و بر جبرئیل سلام باد.»

اما سلام سفارشی جبرئیل علاوه بر آنچه که در ضمن روایات قبلی اشاره شد در روایت دیگری با سند صحیح از طریق بزرگان رواة شیعه، به این صورت نقل شده است: «عَنْ زُرَّارَةَ وَحَمْرَانَ بْنِ

۲. همان، ص ۱۱، روایت ابن هشام، و رک: ص

۱. همان، ج ۱۶، ص ۸، به نقل از مسند احمد بن

أَعْيَنَ وَمُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ
 السَّلَامِ، قَالَ: حَدَّثَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ أَنَّ
 رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَتَانِي لَيْلَةَ أُسْرِي
 بِي فَحِينَ رَجَعْتُ قُلْتُ: يَا جَبْرِئِيلُ هَلْ لَكَ
 مِنْ حَاجَةٍ؟ قَالَ: حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ
 خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ وَحَدَّثَنَا عِنْدَ
 ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقِيَهَا نَبِيُّ اللَّهِ فَقَالَ
 الَّذِي قَالَ جَبْرِئِيلُ فَقَالَتْ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ
 وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرِئِيلَ
 السَّلَامُ؛^۱ امام باقر علیه السلام به زواره
 و حمران و محمد بن مسلم چنین روایت
 کرد که ابو سعید خدری نقل کرد که
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
 آن شبی که در معراج بودم، به هنگام
 بازگشت جبرئیل نزد من آمد. به جبرئیل
 گفتم: ای جبرئیل! آیا حاجتی داری؟
 پاسخ داد: حاجت من این است که از
 طرف خدا و من به خدیجه سلام الله
 علیها سلام برسانی. و نقل کرد که: چون
 رسول خدا پیغام جبرئیل را به خدیجه
 رسانید، خدیجه پاسخ داد: همانا خدا

سلام است و سلام [و سلامتی] از اوست
 و سلام به سوی اوست و بر جبرئیل
 سلام باد.»

۲. فرستادگان ویژه الهی

هر کس در مسیر الهی حرکت کند،
 خداوند هرگز او را رها نکند و تنها
 نخواهد گذاشت. نمونه بارز آن سرگذشت
 خدیجه کبری سلام الله علیها است. هنگامی
 که وضع حمل آن بانو نزدیک گشت، به
 زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که مرا در
 این امر یاری نمایید، ولی آنان پاسخ دادند:
 ای خدیجه! چون تو در ازدواجت از سخنان
 ما سرپیچی نمودی، و محمد یتیم را به
 همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی-
 کنیم. خدیجه از این جواب سخت غمگین
 گشت، در این هنگام چهار زن همانند زنان
 بنی هاشم وارد شدند در حالی که خدیجه از
 دیدن آنان هراسان بود، یکی از آن چهار زن
 به خدیجه گفت: غمگین مباش، پروردگارت
 ما را برای یاری تو فرستاده است. ما
 خواهران و یاوران تو هستیم. من «ساره»
 هستم، این «آسیه دختر مزاحم» رفیق بهشتی
 تو است و این هم «مریم دختر عمران» است
 و این یکی «کلثوم خواهر موسی بن عمران»
 است. خدا ما را برای کمک به تو فرستاده

است تا یاور و پرستار تو باشیم...» راستی که باید گفت: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾؛ آیا خداوند برای [حمایت و دفاع از] بنده اش کافی نیست؟»

۳. کفن بهشتی

خدیدجه کبری سلام الله علیها در لحظات احتضار «اسماء بنت عمیس» را به نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها به او سفارشات کرد. آنگاه فاطمه را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه قرار داد که از رسول خدا، خواهش کند تا یکی از لباسهای خود را کفن خدیجه قرار دهد. وقتی فاطمه نزد پدر رفت و درخواست مادر را مطرح کرد، اشک از چشمان حضرت جاری گشت، چیزی نگذشت که جبرئیل نازل شد در حالی که کفنی از بهشت همراه خویش داشت که خداوند آن را برای خدیجه فرستاده بود.^۳

آری انسانی که تمام ثروت خویش را دو دستی در راه خدا تقدیم نموده است، در پیشگاه الهی این عظمت را پیدا می-کند که خداوند کفن بهشتی برای او بفرستد، و اینگونه از ایشار و انفاق او تقدیر به عمل آورد.

۴. درقصری از بهشت

قبل از رحلت خدیجه کبری، خداوند متعال بارها توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جایگاه ویژه خدیجه در بهشت خبر داد، از جمله «عکرمه» از «ابن عباس» نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرْيَمُ ابْنَتُ عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ مَرْحَمٍ...؛ بهترین زنان بهشت اینانند، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون).»^۴

و از عبد الله جعفر نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَمْرَتْ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنْتِ مَنِ قَصَبٍ

۱. همان، ج ۱۶، ص ۸۰، و ج ۴۳، ص ۲ — ۴؛ امالی، الصدوق، ص ۴۷۵.

۲. زمر / ۳۶.

۳. به نقل از واعظ محترم جناب آقای یشری.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۲؛ اسد الغابة، ج ۵، ص ۴۳۷؛ استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱.

تاریخ نیز گواهی می‌دهد که محبوب‌ترین همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد او، خدیجه کبری علیها السلام بود.^۴ حضرت ۲۴ سال با حضرت خدیجه زندگی کرد و تا زنده بود به احترام او همسر دیگری اختیار نکرد.

«جان دیون پورت انگلیسی» می‌گوید: «با وجود اینکه خدیجه در چنان سن و سال [بالایی] بود و به حسب قانده بایستی زیبایی دوران جوانی خود را از دست داده باشد، با این حال محمد تا آخرین دقیقه حیات خدیجه، نسبت به او وفادار ماند و تا زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد.»^۵

بعد از رحلت آن بانوی گرامی نیز پیامبر صلی الله علیه و آله او را فراموش نکرد و دائماً به یاد او بود که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. یاد خدیجه

«عَنْ عَائِشَةَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيُحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا»

لَا صَخْبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ؛ دستور داده شده‌ام که خدیجه را به خانه طلائی که در آن زحمت و خصومت، وجود ندارد بشارت دهم.^۱ و همین مضمون نیز از عبدالله بن ابی اوفی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است.^۲

آنگاه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حال احتضار قرار گرفت، فاطمه زهرا علیها السلام درباره جایگاه آن حضرت در قیامت پرسشهایی کرد، از جمله پرسید: «أَيْنَ وَالِدَتِي خَدِيجَةُ؟ [در آن روز] مادرم خدیجه کجاست؟» حضرت فرمود: «فِي قَصْرِ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ إِلَى الْجَنَّةِ؛ [خدیجه] در قصری است که چهار درب به سوی بهشت دارد.»^۳

ب. منزلت خدیجه در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

هر گاه انسانی در پیشگاه الهی از چنان مقامی برخوردار باشد، نگفته پیدا است که در نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز دارای منزلتی است رفیع چنانکه

۱. بحار الانوار، همان، ج ۱۶، ص ۷، ح ۱۲.

۲. همان، ص ۷.

۳. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۱۰.

۴. همان.

۵. عذر تقصیر به پیشگاه محمد، ص ۲۵.

وَالْإِسْتِغْفَارَ لَهَا. فَذَكَرَهَا ذَاتَ يَوْمٍ
فَحَمَلْتَنِي الْغَيْرَةَ فَقُلْتُ عَوْضَكَ اللَّهُ مِنْ
كَبِيرَةِ السِّنِّ قَالَتْ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ غَضِبَ
غَضَبًا شَدِيدًا...؛ عائشه گوید: رسول خدا
از خانه بیرون نمی‌رفت، مگر اینکه
خدیجه را به نیکی یاد می‌کرد و برای او
استغفار می‌نمود. روزی از او یاد کرد من
حسد بردم و گفتم: خداوند جایگزین آن
پسرزن به تو عطا کرده است!!
پیامبر شدیداً خشمگین شد.»

و ادامه می‌دهد که: رسول خدا فرمود:
«خَدِجَةٌ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِجَةَ، صَدَقْتَنِي حِينَ
كَذَّبْتَنِي النَّاسُ وَوَأَزْرَتَنِي عَلَيَّ دِينِ اللَّهِ
وَأَعَانْتَنِي بِمَالِهَا؛ خدیجه و کجاست
مثل خدیجه علیها السلام؟ او مرا تصدیق
کرد آن گاه که مردم مرا تکذیب نمودند
و با مال خود مرا بر دین خدا کمک و
یاری کرد.»^۱

این قضیه بارها تکرار شده است؛ از
جمله روزی پیامبر اکرم در جمع
همسران خویش حضور داشت و از

خدیجه یاد نمود و در فراق او گریست.
عائشه گفت: بر پیرزن سرخ روی از تیره
بنی‌اسد می‌گریی؟ رسول خدا فرمود:

«صَدَقْتَنِي إِذَا كَذَّبْتُمْ وَأَمَنْتَ بِي إِذْ
كَفَرْتُمْ وَوَلَدْتِ لِي إِذْ عَقِمْتُمْ. قَالَتْ عَائِشَةُ:
فَمَا زِلْتُ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذِكْرِهَا؛^۲ خدیجه روزی که
شما مرا تکذیب کردید، تصدیق نمود و
روزی که کفر ورزیدید او به من ایمان
آورد و فرزند برای من آورد و شما نازا
بودید. عائشه اضافه می‌کند: همیشه این
گونه بود که من با بیان خوبیهای خدیجه
به پیامبر خدا تقرّب می‌جستم.»

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه
از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه
و آله شدیداً به خدیجه محبت و ارادت
داشت، نسبت به دوستان و آشنایان او نیز
اظهار محبت و دوستی می‌کرد. به همین
جهت هنگام ذبح قربانی می‌فرمود: از
گوشت آن برای دوستان خدیجه نیز
ببرید؛ چرا که «إِنِّي لِأَحَبُّ حَبِيبِهَا؛ من

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸؛ كشف الغمّة، ج ۲،
ص ۱۳۱.

۱. سفينة البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۸۰؛
قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

دوستان خدیجه را نیز دوست می-
دارم. ^۱

و نیز روایت شده روزی پیرزنی بر
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد،
پیامبر او را مورد لطف و مهربانی قرار
داد، پس از رفتن او عائشه عَلت آن همه
لطف را جویا شد، حضرت فرمود: این
بانو در زمان خدیجه بر من وارد می شد. ^۲

آری آنهایی که در راه خدا قدم
برداشتند و تلاش خود را در مسیر او
قرار دادند، هرگز از یادها و خاطره‌ها
نمی روند.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

تبت است بر جریده عالم دوام ما
به همین جهت به اعتراف عائشه،
هرگز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از
یاد خدیجه و گفتن مدح او خسته نشد.

«قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ لَمْ
يَسْأَمْ مِنْ تَنَاءٍ عَلَيْهَا وَاسْتِغْفَارٍ لَهَا؛ عَائِشَةُ

۱. ریاحین الشریعة.

۲. سفینة البحار، ج ۱، ص ۳۷۹ - ۳۸۱.

بهترین زنان بهشت اینانند،

خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر

محمد و مریم دختر عمران و آسیه

دختر مزاحم (همسر فرعون).

گفت: رسول خدا همیشه این گونه بود
که هرگاه خدیجه را یاد می کرد، از گفتن
ثنای او و استغفار برای او خسته نمی-
شد. ^۳

بحث را با این زبان حال پیامبر اکرم
در سوگ خدیجه علیها السلام به پایان
می بریم:

یار شکسته بال من، به حال من نظر نما
دلدار خسته حال من، به جمع ما گذر نما
بنگر به سوز سینه ام، که سوزد از برای تو
سوزد دُخت حزینه ام، به یاد آن وفای تو

۳. بحار الانوار، همان، ج ۱۶، ص ۱۲.